

Optimization of Production Conditions of Natural Antibacterial Violacin Pigment from *Janthinobacterium lividum*

Farnaz Khaksar^{1,2} , Garshasb Rigi^{1,2*} 

¹ Dept of Genetics, Faculty of Basic Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran

² Dept of Industrial Biotechnology, Research Institute of Biotechnology, Shahrekord University, Shahrekord, Iran

Article Info

Article type:

Research article

Article History:

Received: 05 December 2020

Revised: 01 December 2021

Accepted: 03 January 2022

Published Online: 23 July 2022

* Correspondence to:

Garshasb Rigi

Dept of Genetics, Faculty of Basic Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran

Email: garshasbiotech@sku.ac.ir

ABSTRACT

Introduction: *Janthinobacterium lividum* (*J. lividum*) is a bacterium that can produce a secondary metabolite with antimicrobial properties called violacein. Violacein is produced in this bacterium under special conditions, such as food stress, lack of oxygen, changes in pH or ambient temperature, and even in the presence of a chemical. Bacteria use these production factors as agents for greater survival. This pigment can be used to dye hospital textiles with antibacterial properties. This study aimed to determine the appropriate conditions for the maximum production of violacein pigment by bacteria to save production time and cost.

Material & Methods: In this study, the effects of different treatments were tested quantitatively and qualitatively to achieve the best conditions for the production of violacein by *J. lividum*. Other evaluations included the effect of aeration on the production of color biofilm, the effect of temperature on the production of violacein, glycerol concentration test and its effect on pigment production, the effect of glycerol, sodium sulfate, tryptophan, meat extract and peptone on production optimization, optimization in a solid and liquid medium and color spectrum, and violet dye resistance at different pHs. The SPSS software and t-test were used for quantitative analysis and comparison of the treatments.

Findings: It was found that a culture medium containing meat extract (0.3%) and peptone (0.5%), glycerol (1%), and tryptophan (1%) on a solid culture medium containing nutrient agar was selected as the best culture medium for the production of violacein. The amount of biomass and dye production in the solid medium was twice that in the liquid medium. The optimum condition for the production of violacein pigment in this strain included pH 7 and a temperature of 25 °C. The purple color of this pigment was stable for a long time (24 h) at acidic pH (up to pH 11).

Discussion & Conclusion: Modified nutrient agar solid culture medium was introduced for optimal production of violacein. Optimal bacterial culture conditions (temperature 25 °C and pH 7) were obtained for the best pigment production. It can be concluded that natural dyes can replace harmful chemical dyes if produced in a product with high efficiency and quality. In this study, the production of violacein with more efficacy was tried through the enhancement and improvement of culture medium composition and maintenance of the optimal production conditions.

Keywords: Antibacterial, Hospital textiles, Microbial biotechnology, Secondary metabolites

➤ How to cite this paper

Khaksar F, Rigi G. Optimization of Production Conditions of Natural Antibacterial Violacin Pigment from *Janthinobacterium lividum*. Journal of Ilam University of Medical Sciences. 2022;30(3): 29-43.



© The Author(s)

Publisher: Ilam University of Medical Sciences

Journal of Ilam University of Medical Sciences: Volume 30, Issue 3, 2022

بهینه‌سازی شرایط تولید رنگ‌دانه طبیعی و ضدباکتری ویولاسئین از باکتری *Janthinobacterium lividum*

فرناز خاکسار^{۱,۲} ID، گرشاسب ریگی^{۱,۲} ID

اگره ژنتیک، دانشکده علوم پایه، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران
اگره بیوتکنولوژی صنعتی، پژوهشکده بیوتکنولوژی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

نویسنده مسئول:

گرشاسب ریگی

اگره ژنتیک، دانشکده علوم پایه،
دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

Email:
garshasbiotech@sku.ac.ir

مقدمه: باکتری *Janthinobacterium. lividum* قادر به تولید متابولیت ثانویه با خاصیت ضد میکروبی تحت عنوان ویولاسئین است. ویولاسئین در این باکتری در شرایط ویژه‌ای همچون استرس غذایی، کمبود اکسیژن، تغییرات pH و یا دمای محیط حتی وجود یک ماده شیمیایی تولید می‌شود. باکتری‌ها از این عامل‌های تولیدی به عنوان عملگری برای بقای بیشتر استفاده می‌کنند. این رنگ‌دانه برای رنگ‌آمیزی منسوجات بیمارستانی با خاصیت آنتی باکتریال می‌تواند کاربرد داشته باشد. هدف از این مطالعه تعیین شرایط مناسب برای بیشینه تولید رنگ‌دانه ویولاسئین توسط باکتری، به منظور صرفه‌جویی در وقت و هزینه تولید است.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه اثر تیمارهای مختلف به صورت کمی و کیفی، برای دستیابی به بهترین شرایط تولید ویولاسئین توسط باکتری *J. lividum* آزمایش شد. اثر هوادهی بر تولید بیوفیلم رنگی، اثر دما بر میزان تولید ویولاسئین، آزمایش غلظت گلیسرول و اثر آن بر تولید رنگ‌دانه، بررسی اثر گلیسرول، سولفات سدیم، تریپتوفان، عصاره گوشت و پپتون در بهینه‌سازی تولید، بهینه‌سازی در محیط جامد و مایع و بررسی طیف رنگی و مقاومت رنگ ویولاسئین در pHهای مختلف بررسی گردید. برای مقایسه کمی تیمارها از نرم‌افزار آماری SPSS و روش مقایسه آماری T-Test استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که محیط کشت حاوی ۰/۳ درصد عصاره گوشت و ۰/۵ درصد پپتون، ۰/۱ درصد گلیسرول و ۱ درصد تریپتوفان روی محیط کشت جامد حاوی نوترینت آگار، به عنوان بهترین محیط کشت برای تولید انتخاب گردید. میزان تولید بیومس و رنگ در محیط جامد دو برابر محیط مایع بود. pH مطلوب ۷، در تنها دمای مناسب برای تولید رنگ ویولاسئین در این سویه ۲۵ درجه سانتی‌گراد بود. رنگ بنفش به دست آمده از این رنگ‌دانه در pHهای اسیدی به مدت طولانی (۲۴ ساعت) پایدار بوده است. این پایداری تا pH=11 وجود داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: محیط کشت جامد نوترینت آگار تغییر یافته برای تولید بهینه و دو برابری ویولاسئین معرفی گردید. شرایط بهینه کشت باکتری (دمای ۲۵ درجه سانتی‌گراد و pH برابر ۷) برای بهترین تولید رنگ‌دانه به دست آمد. از نظر کیفی می‌توان گفت، رنگ‌های طبیعی در صورتی که در یک محصول با قابلیت تولید با بازدهی و کیفیت بالا به کار روند، می‌توانند جایگزین این دسته از مواد رنگی شیمیایی مضر شوند. در این تحقیق، با افزایش و بهبود ترکیب محیط کشت و حفظ شرایط بهینه تولید، نسبت به تولید ویولاسئین با بازدهی بالاتر اقدام شد.

واژه‌های کلیدی: آنتی باکتریال، بیوتکنولوژی میکروبی، متابولیت ثانویه، منسوجات بیمارستانی

استناد: ریگی، گرشاسب؛ خاکسار، فرناز. بهینه‌سازی شرایط تولید رنگ‌دانه طبیعی و ضدباکتری ویولاسئین از باکتری *Janthinobacterium lividum*

مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، شهریور ۱۴۰۱؛ ۳۰(۳): ۲۹-۴۳.

باکتری جانتینوباکتریوم لیویدوم (*Janthinobacterium lividum*) برای اولین بار از پوست یک نوع سمندر جداسازی شد. این سویه از راسته پروتئوباکترها و خانواده اگرالوباکتریاسه ها است (۱-۳). باکتری *J. lividum* گرم منفی، متحرک و آنروبیک (هوازی) است. در سلول های جوان این باکتری، فلاژل منفرد قطبی در سر سلول دیده شده است (۴). کلنی ها روی محیط کشت حالت محدب و گرد دارند. این سویه حاوی فسفولیپیدهای فسفاتیدیل اتانول آمین، فسفاتیدیل گلیسرول و دی فسفاتیدیل گلیسرول به عنوان لیپیدهای قطبی است. درصد G+C ژنوم این باکتری ۶۷-۶۱ درصد است (۵).

باکتری *J. lividum* قادر به تولید متابولیت ثانویه با خاصیت ضد میکروبی تحت عنوان ویولاستین است. درواقع، متابولیت های ثانویه میکروبی ترکیباتی هستند که در میکروارگانیسم ها در شرایط ویژه ای تولید می شوند. این شرایط بیشتر به علت استرس غذایی، کمبود اکسیژن، تغییرات pH و یا دمای محیط حتی وجود یک ماده شیمیایی ایجاد می گردد. متابولیت های ثانویه را همچنین می توان با القاکنده های زیستی و غیرزیستی تولید کرد و باکتری ها از این عامل های تولیدی به عنوان عملگری برای بقای بیشتر استفاده می کنند (۶).

باکتری *J. lividum* قادر به تولید دو نوع متابولیت ثانویه با خاصیت ضد میکروبی است که شامل ویولاستین و ایندول ۳-کربوکساندئید است. این دو ماده خاصیت ضد میکروبی، ضدقارچ و ضدویروسی دارند (۷). از میان این دو ماده ذکر شده، ساختمان ویولاستین از ۳ بخش ساختاری تشکیل شده است که شامل ۵-هیدورکسیل اندول، ۲-اوکسواپندول و ۲-پیرواپندول است که در آب نامحلول است و در هنگام تشکیل، به سرعت به صورت یک ذره یا توده در سلول ظاهر می شود (۸). ویولاستین یک مولکول هیدروفیلیک است که بیوستز آن با ال-تریپتوفان آغاز می گردد و با آنزیم های VioA، VioB، VioE، VioD و VioC کاتالیز می شود و تحت

کنترل اپرون vioABCDE قرار دارد (۷).

متابولیت های ثانویه می توانند از لحاظ بیولوژیکی فعال باشند و یک مزیت رقابتی میان گونه های رقیبشان داشته باشند؛ بنابراین، اغلب خواص دارویی دارند که توسط بسیاری از این متابولیت های ثانویه نشان داده می شوند (۹). ویولاستین ویژگی های بیولوژیکی مختلفی مانند فعالیت درمانی بالقوه روی سلول های سرطانی دارد که این اثر روی چندین لاین سلولی سرطانی بررسی شده است. این ترکیب سایتوتوکسیسیته در IC50 دارد که این امر عمدتاً در غلظت های کمتر از میکرومولار بوده است (۲).

مطالعه ای نشان داد که ویولاستین مانع از رشد باکتری های گرم منفی و گرم مثبت می شود. ویولاستین و دئوکسی ویولاستین خواص آنتی باکتریایی نشان داده اند. مشخص شد که حساس ترین باکتری کلبسیلا پنومونیه با قطر هاله ۵۳/۵ میلی متر و باسیلوس سابتیلیس با قطر هاله ۲۱ میلی متر و استافیلوکوکوس اورئوس با قطر ۲۹/۵ و /شریشیا کلاهی با قطر ۲۶ میلی متر بوده است. فعالیت ضدباکتریایی نشان داده است که پاسخ یکنواخت میان سویه های باکتری وجود ندارد؛ زیرا تفاوت حساسیت به تفاوت در دیواره سلولی آن ها نسبت داده شده است؛ اما با این حال، تأثیر معنی داری در فعالیت ضد میکروبی مشاهده شده است. تأثیر ویولاستین بر سویه های گرم مثبت مانند باسیلوس مگاتریوم، باسلوس لیکنی فورمیس، استافیلوکوکوس اورئوس، باسیلوس سابتیلیس و باکتری های گرم منفی مثل سودوموناس آئروژینوزا نشان می دهد که در غلظت بالای رنگ دانه بنفش همه باکتری ها کشته می شوند (۸).

ویولاستین کاربردهای فراوانی در صنایع مختلف مانند صنایع دارویی، غذایی، آرایشی، بهداشتی و نساجی دارد. علاوه بر این، فعالیت های بیولوژیکی آن طیف گسترده ای از تحقیقات علمی را فراهم می کند. عمده مشکل این رنگدانه آب گریز بودن آن است که باعث ضعیف بودن فعالیت زیستی این رنگدانه می شود (۱۰).

۱۱). این رنگ‌دانه بنفش در آب نامحلول است؛ اما در استون، اتانول، متانول و بوتانول حل می‌گردد و بیشینه جذب آن ۵۸۵ نانومتر است. این رنگ‌دانه قابلیت رنگرزی الیاف طبیعی و مصنوعی را دارد (۱۰).

از آنجاکه منسوجات بستر مناسبی برای رشد میکروارگانیسم‌ها ایجاد می‌کنند، به‌ویژه در صورتی که رطوبت مناسب فراهم باشد؛ بنابراین، نگرانی‌های فراوانی در افراد درباره بهداشت لباس‌ها وجود دارد و به همین علت، تحقیقات بسیاری در ارتباط با تولید پارچه‌های ضد میکروبی آغاز شده است (۱۲). از سال ۲۰۰۰ که شیراتا و همکاران نخ ابریشم را با ویولاسئین رنگ کردند، این پرسش به وجود آمده است که می‌توان از این رنگ‌دانه برای رنگرزی الیاف طبیعی و مصنوعی استفاده کرد یا نه (۵). یک مطالعه پیشین نشان داده است که این رنگ‌دانه قابلیت تولید با استفاده از منابع جایگزین را دارد و به‌صورت اقتصادی قابل تولید است و مؤلفه‌های بهینه‌سازی در کشت غوطه‌وری آن انجام شده است؛ همچنین این رنگ‌دانه در محیط مایع و جامد قابلیت تولید دارد و به‌سبب افزایش اکسیژن در فرمانتور، میزان تولید از فلاسک بالاتر بوده است (۱۳).

در پژوهش‌های پیشین، شرایط لازم برای بهینه‌سازی تولید متابولیت ثانویه ویولاسئین در باکتری *J. lividum* و برخی شرایط به‌صورت تک‌عامل بهینه‌شده است و در پی آن، میزان تولید رنگ‌دانه در آن افزایش یافته است (۱۶-۱۴، ۵)؛ اما اثر این عامل‌ها در میان‌کنش با همدیگر بررسی نشده است و از سویی، بدیهی است که امروزه در رنگرزی منسوجات، به استفاده از رنگ‌های طبیعی بسیار توجه می‌شود. این رنگ‌ها علاوه بر اینکه به‌آسانی از طریق میکروارگانیسم‌ها تولید می‌گردند و امکان کشت در محیط کشت‌های ارزان قیمت و یا حتی پسماندها را دارند، دارای خواص ویژه‌ای هم هستند.

این رنگ‌های طبیعی در صورتی که در یک محصول با قابلیت تولید با بازدهی و کیفیت بالا به‌کار روند، می‌توانند جایگزین این دسته از مواد رنگی شیمیایی مضر

شوند. با توجه به همه موارد یادشده و اهمیت موضوع، تهیه محیط کشت بهینه‌شده و با شرایط مناسب تولید رنگ‌دانه هدف این تحقیق است؛ به‌عبارت دیگر، هدف از این مطالعه تعیین شرایط مناسب برای بیشینه تولید رنگ‌دانه ویولاسئین توسط باکتری برای صرفه‌جویی در وقت و هزینه تولید است.

مواد و روش‌ها

سویه و محیط‌های کشت مورد نیاز برای تولید رنگ‌دانه و ارزیابی‌های میکروبیولوژیک: سویه استاندارد *Janthinobacterium lividum* با کد ATCC 12473، به صورت آمپول لیوفیلیزه از کلکسیون میکروبی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران (<http://irost.org/ptcc>) خریداری شد. این گونه، کلنی براق و گرد و بنفش‌رنگی دارد. از محیط‌های کشت نوترینت براث و آگار، TSB (تریپتون سوی براث) و آگار و مولر هیتون آگار استفاده گردید (۶).

برای تولید محیط کشت نوترینت براث، از این محیط کشت که حاوی ۳ گرم عصاره گوشت، ۵ گرم پیتون، ۱ لیتر آب مقطر در pH برابر 0.2 ± 6.8 ، بود، ۸ گرم از پودر آن در یک لیتر آب مقطر حل گردید و برای تهی نوترینت آگار، به ترکیبات بالا ۱۵ تا ۲۰ گرم پودر آگار اضافه شد (۶). برای تهیه محیط کشت TSB نیز ۳۰ گرم پودر TSB شامل ۱۷ گرم کازئین، ۳ گرم سویا، ۵ گرم سدیم کلراید، 2.5 گرم دی پتاسیم هیدروژن سولفات و 2.5 گرم گلوکز در pH برابر 0.2 ± 7.3 در یک لیتر آب مقطر حل گردید و برای تهیه محیط کشت TSA (تریپتون سوی آگار)، به هر لیتر محیط کشت TSB مقدار ۱۵ تا ۲۰ گرم آگار اضافه شد (۶).

محیط کشت مولر هیتون آگار یک محیط کشت غیرانتخابی و غیرافتراقی است که قابلیت کشت سویه‌های متنوعی را به منظور کشت میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا و آزمایش‌های آنتی بیوگرام دارد. ۳۸ گرم از پودر مولر هیتون آگار محتوی ۲۰ گرم عصاره گوشت، ۱۷ گرم

که مقالات بیان شده بود، به علت اختلاف فراوانی که در همه ارجاعات نسبت به شرایط کشت مثل هوادهی وجود داشت (۸)، تأثیر دما در کشت دوباره بررسی شد. بدین منظور، ۲ عدد پلیت حاوی محیط کشت نوترینت آگار کشت چمنی داده و یکی از آن‌ها در انکوباتور ۲۵ درجه و دیگری در انکوباتور ۳۰ درجه قرار داده شد. پس از یک هفته انکوباسیون، هر دو پلیت بررسی گردید (۸).

آزمایش غلظت گلیسرول و اثر آن بر تولید رنگدانه:
۶ عدد فالكون ۱۵ سی سی برداشته و داخل آن‌ها حدود ۵ سی سی محیط نوترینت براث ریخته شد و به ۳ دسته تقسیم گردیدند. هر دسته شامل ۲ فالكون بود که دسته اول حاوی ۱ درصد گلیسرول، دسته دوم ۲ درصد گلیسرول و دسته سوم ۳ درصد گلیسرول بود. به فالكون‌ها ۵۰ میکرولیتر سوسپانسیون تلقیح و در انکوباتور ۲۵ درجه سانتی‌گراد انکوبه شد. پس از این مرحله، فالكون‌ها ورتکس گردید تا بیوفیلم در آنجا اندکی حل شود؛ سپس به هر فالكون ۱۰ درصد محیط کشت اتانول اضافه شد و مجدداً ورتکس گردید و جذب آن‌ها در دستگاه اسپکتوفتومتر خوانده شد (۹، ۱۰، ۱۲). تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم افزار SPSS vol.22 صورت گرفت و معناداری داده‌ها در مقایسه داده‌ها با استفاده از آزمون T-Test انجام گردید.

بررسی اثر گلیسرول، سولفات سدیم و تریپتوفان در بهینه‌سازی تولید: ۸ عدد ارلن حاوی ۱۰۰ سی سی محیط کشت نوترینت براث تهیه شد. هر ارلن بر اساس جدول شماره ۱، حاوی گلیسرول، سولفات منیزیم و تریپتوفان بود.

کازئین هیدرولیز شده و ۱ گرم نشاسته در pH برابر ۷/۴±۰/۲ در ۱ لیتر آب مقطر حل گردید و اندکی حرارت داده شد تا آگار آن ذوب شود. همه محیط‌های یادشده بالا برای استریل شدن به مدت ۱۵ دقیقه با دمای ۱۲۱ درجه سانتی‌گراد اتوکلاو گردید (۶).

بهینه‌سازی ترکیبات محیط کشت: از آنجاکه تولید رنگ توسط باکتری در اواخر دوره رشد انجام می‌شود و افزایش می‌یابد، می‌توان با تغییراتی در محیط کشت باکتری یا با ایجاد شرایطی، روند کشت این میزان را افزایش داد. برای صرفه‌جویی در وقت و هزینه لازم است بیشینه تولید رنگدانه توسط باکتری به دست می‌آید.

بهینه‌سازی در محیط مایع؛ اثر هوادهی بر تولید بیوفیلم رنگی J. lividum: برای بررسی عامل اکسیژن و هوادهی به محیط مایع بر روند رشد سویه J. lividum ۱۲ عدد ارلن ۲۵۰ سی سی تهیه شد که حاوی ۱۰۰ سی سی محیط کشت نوترینت براث بود. این محیط‌ها روی pH=7 تنظیم و استریل گردید. در مرحله تلقیح سویه، به همه ارلن‌ها ۱ درصد سوسپانسیون باکتری افزوده شد که غلظت نیم مک‌فارلند داشت تا میزان سویه تلقیحی در همه ارلن‌ها مساوی باشد؛ سپس ارلن‌ها به صورت تصادفی به دو دسته تقسیم گردید و دسته اول در انکوباتور شیکردار و دسته دوم را در انکوباتور بدون شیک قرار داده شد. انکوباتورها روی دمای ۲۵ درجه تنظیم گردید و به مدت یک هفته انکوبه شد. پس از پایان این فرایند، ارلن‌ها خارج و مقایسه گردید (۷).

اثر دما بر میزان تولید ویولاسئین: با وجود تأثیر دمایی

جدول شماره ۱. ترکیبات ارلن‌ها برای بررسی اثر گلیسرول، سولفات سدیم و تریپتوفان در بهینه‌سازی تولید

شماره ارلن	محیط نوترینت براث	۱ درصد گلیسرول	۱ درصد سولفات منیزیم	۱ درصد تریپتوفان
۱	*			
۲	*	*		
۳	*		*	
۴	*			*
۵	*	*	*	
۶	*	*		*
۷	*	*	*	*
۸	*	*	*	*

pH همه ارلن‌ها روی ۷ تنظیم شد و به آن‌ها یک درصد سوسپانسیون باکتریایی با غلظت نیم مک‌فارلند تلقیح گردید. ارلن‌ها به مدت یک هفته در انکوباسیون ۲۵ درجه بدون شیک قرار گرفتند. پس از پایان فرایند انکوباسیون، همه ارلن‌ها برای بررسی‌های کمی به کار رفتند و میزان تولید رنگ‌دانه ویولاسئین در آن‌ها به دست آمد. به اندازه یکسان به همه ارلن‌ها ۱۰ درصد حجم محیط کشت اتانول اضافه گردید و آن‌ها به مدت یک ساعت شیک شدند.

تریپتوفان یک اسید آمینه حساس به دما است که استریل کردن آن به همراه سایر مواد در انکوباتور به تخریب ساختار این ماده منجر می‌شود؛ بنابراین، برای این ماده به صورت جداگانه، پس از خارج کردن محیط استریل شده از اتوکلاو، در کنار شعله و با حفظ شرایط آسپتیک زیر هود لامینار، تریپتوفان مورد نیاز در آب مقطر حل گردید و سپس روی حرارت ملایم هم‌زده و با سرنگ و فیلتر سرسرنگی به محیط اضافه شد. باید توجه داشت که میزان آب مقطر اضافه شده به محیط از قبل در نظر گرفته شده بود و زمان تهیه محیط کشت، از میزان آب مقطر استفاده شده کسر گردید و بعداً جبران شد. برای کنترل pH این محیط، با استفاده از سمپلر در کنار شعله نمونه برداری گردید و کاغذ pH سنج با این نمونه آغشته شد. تغییر رنگ حاصله میزان pH را مشخص می‌کرد (۱۳، ۱۴). تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS vol.22 صورت گرفت و معناداری داده‌ها در مقایسه داده‌ها با استفاده از آزمون T-Test انجام شد.

بهینه‌سازی در محیط جامد: محیط کشت حاوی نوترینت آگار بر اساس دستورالعمل تهیه گردید. این محیط در ۵ ارلن تقسیم شد. ارلن شماره ۱ به عنوان شاهد، تنها حاوی محیط نوترینت آگار بود. ارلن شماره ۲ علاوه بر نوترینت آگار، حاوی ۱ درصد نمک سولفات منیزیم بود. به ارلن شماره ۳ با استفاده از سمپلر، ۱ درصد گلیسرول اضافه شد و تریپتوفان ارلن شماره ۴ پس از خروج از اتوکلاو، در شرایط آسپتیک و با استفاده از

فیلترهای سرسرنگی استریل شده به محیط افزوده گردید. ارلن شماره ۵ شامل نوترینت آگار، نمک سولفات منیزیم ۱ درصد و گلیسرول ۱ درصد بود که اتوکلاو شد و پس از خروج، با فیلتر سرسرنگی تریپتوفان به آن اضافه و پیش از سرد شدن محیط درون پلیت‌ها توزیع گردید. پس از بسته شدن محیط درون پلیت، با استفاده از سوآپ استریل سطح پلیت کشت چمنی داده شد. پلیت‌ها در دمای ۲۵ درجه سانتی گراد انکوبه گردیدند. مدت زمان انکوباسیون یک هفته بود (۱۵، ۱۶).

روش استخراج رنگ؛ استخراج رنگ از محیط کشت براث: برای استخراج رنگ از سویه *J. lividum* کشت شده در محیط براث، پس از کشت باکتری و پایان زمان انکوباسیون، به مدت یک هفته با رسیدن جذب به بالاترین نقطه در ۵۷۵ نانومتر عملیات استخراج انجام گرفت. برای استخراج رنگ از محیط مایع ابتدا لازم بود محیط کشت از بیوفیلیم جدا شود که در محیط کشت شناور بود. البته با افزایش زمان کشت، این بیوفیلیم ساختارش از بین می‌رود و یک دست و یک تکه مشاهده نمی‌شود و حتی ممکن است رنگ محیط به بنفش برود که این نشانه کهنه شدن محیط است. در این صورت، برای استخراج رنگ به سانتریفوژ با دور بالاتر نیاز است (۱۷).

ارلن‌های حاوی ۱۰۰ سی سی محیط کشت نوترینت براث غنی شده بودند. این ارلن‌ها با ۱ درصد باکتری تلقیح و یک هفته بدون شیک انکوبه گردید. بیوفیلیم رنگی ایجاد شده در سطح محیط، برای استخراج رنگ دانه به کار رفت. با رسیدن جذب به میزان مطلوب، ارلن‌ها خارج شد و داخل فالكون‌های ۵۰ میلی‌لیتری تقسیم گردید و درون دستگاه سانتریفوژ قرار گرفت. این فالكون‌ها با دور ۸۰۰۰ به مدت ۱۵ دقیقه با دمای ۴ درجه سانتی گراد سانتریفوژ شد و رسوب حاصل برداشته و سوپرناتانت دور ریخته شد (۱۸، ۱۹).

طبق روش رفرنس، به ازای هر گرم توده ۱۰ برابر الکل اضافه گردید و استخراج صورت گرفت. گفتنی است که الکل استفاده شده اتانول است. به رسوب حاصل

روش تعیین غلظت رنگ: برای سنجش غلظت رنگ‌دانه در محلول از ضریب خاموشی (Extinction Coefficient) استفاده گردید (۲۰). ضریب خاموشی عددی است که برای هر ترکیب منحصر به فرد است و با محاسبه آن می‌توان نوع و خلوص آن ترکیب را ارزیابی کرد. با استفاده از ضریب خاموشی رنگ ویولاسئین و میزان جذب خوانده شده اسپکتوفتومتری در طول موج ۵۸۵، میزان غلظت رنگ حاصل در کشت جامد ۰/۲۴۳ و در محیط کشت مایع ۰/۰۵ بود.

ضریب خاموشی: $A = \varepsilon \cdot B \cdot C$

A. جذب خوانده شده؛ ε . ضریب خاموشی؛ B. قطر

کووت؛ C. غلظت رنگ

بررسی طیف رنگی و مقاومت رنگ ویولاسئین در pHهای مختلف: در بررسی‌های انجام گرفته برای توانایی رنگ ویولاسئین و مقاومت این رنگ در برابر تغییرات pH که در فرایند رنگ‌رزی امری مهم محسوب می‌شود، این روش صورت گرفت. بدین سان غلظت برابر از محلول رنگی ویولاسئین تهیه شد. این محلول حاوی رنگ‌دانه ویولاسئین و الکل اتانول به عنوان حلال بود؛ سپس در ۱۴ لوله توزیع گردید. لوله‌ها از ۱ تا ۱۴ شماره گذاری شد. با استفاده از دستگاه pHسنج و محلول ۱ مولار NaOH و HCl، pH لوله‌ها تنظیم گردید. لوله‌ها به ترتیب چیده شد و تغییرات توانایی رنگ از حالت اسیدی تا بازی بررسی گردید. علاوه بر این، برای بررسی مقاومت رنگ ۲۴ ساعت در محیط آزمایشگاه قرار گرفت و دوباره تغییرات رنگ بررسی شد (۱۰).

یافته‌ها

بهینه‌سازی در محیط مایع؛ اثر حذف هوادهی در روند تولید بیوفیلم رنگی از باکتری و تولید ویولاسئین: برای بررسی اثر هوادهی رشد بیشتر و تولید بالاتر رنگ‌دانه، پس از دوره انکوباسیون، دو دسته ارلن مشاهده گردید که همان‌گونه که در شکل شماره ۱ دیده می‌شود، ارلن‌های دسته الف در حالت شیکر انکوباتور قرار

۵۰ سی‌سی الکل اتانول اضافه شد و ورتکس گردید؛ سپس ارلن‌ها به حمام سونیک انتقال داده شد و به مدت ۲۰ دقیقه با توان ۴۰ هرتز سونیکیشن گردید. در مرحله بعد، دوباره محلول داخل ارلن در فالكون‌های مخصوص دستگاه سانتریفیوژ یخچال‌دار تقسیم شد و فالكون‌ها پیش از قرار دادن در دستگاه با ترازو وزن گردید و فالكون‌های هم‌وزن دوباره دو روبروی هم درون روتور دستگاه چیده و درب آن بسته و تنظیمات دستگاه از جمله اطلاعات مربوط به نوع روتور، میزان گشتاور ۱۳۰۰۰ و زمان ۱۵ دقیقه و دمای ۹ انجام شد (۱۳).

استخراج رنگ از محیط کشت جامد: برای استخراج

رنگ از بیومس میکروبی حاصل از کشت سویه روی محیط نوترینت آگار در پلیت‌های یک‌بار مصرف، پس از پایان دوره انکوباسیون، پلیت‌ها خارج و با استفاده از یک اسپاچول بیومس سطحی محیط که کاملاً رنگی و قطور بود، برداشته و درون یک ظرف شیشه‌ای مسطح مثل پلیت شیشه‌ای ریخته شد. بیومس برداشتی از سطح پلیت‌ها حالت خمیری داشت و میزان رطوبت آن بسیار کمتر از حالت کشت مایع بود و درواقع، یک مرحله سانتریفیوژ در این حالت حذف و مقدار توده رنگی به دست آمده بسیار بیشتر بود. این ظرف شیشه‌ای برای خشک شدن توده و از بین رفتن رطوبت، درون آون با دمای ۶۰ درجه سانتی گراد به مدت ۲۴ ساعت قرار گرفت. پس از آن، ظرف خارج و توده خشک شده کف ظرف شیشه‌ای تراشیده و داخل یک هاون ریخته شد. با استفاده از هاون بیومس به دست آمده به خوبی ساییده گردید؛ سپس به‌ازای هر گرم پودر بیومس ۱۰ سی‌سی اتانول خالص به ارلن اضافه شد و به مدت ۲۰ دقیقه با توان ۴۰ هرتز در حمام اولتراسونیک قرار گرفت و سونیکیشن انجام گردید. این محلول‌ها به فالكون‌های مخصوص سانتریفیوژ یخچال‌دار منتقل شد و مانند آنچه در مرحله استخراج مایع انجام شده بود، سانتریفیوژ گردید و محلول رنگی از رسوب سفیدرنگ جدا شد (۱۹).

مقایسه میزان تولید رنگ در محیط مایع و جامد و



(الف)



(ب)

شکل شماره ۱. ارلن های کشت داده شده در شیکر انکوباتور و در حالت بدون شیک و بررسی اثر هوادهی در تولید رنگ دانه



(الف)



(ب)

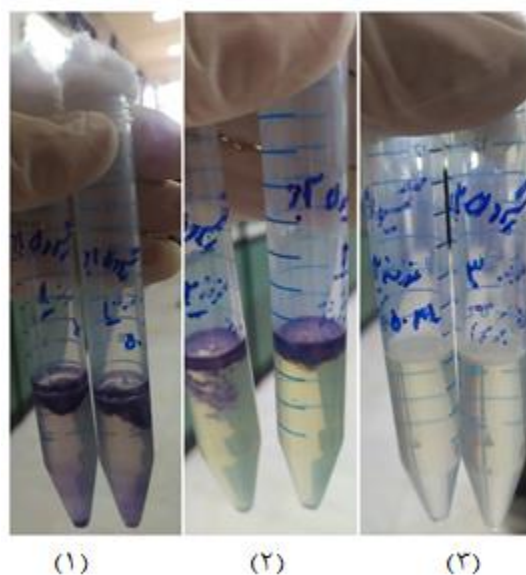
شکل شماره ۲. پلیت های کشت داده شده در دمای ۳۰ درجه سانتی گراد (الف) و دمای ۲۵ درجه سانتی گراد (ب) برای بررسی اثر دما در تولید رنگ دانه

پلیت دوم که در انکوباسیون ۲۵ درجه انکوبه شده بود، کلنی های بنفش رنگ قابل مشاهده بود (شکل شماره ۲ ب). با توجه به اینکه تولید شدن یا نشدن رنگ دانه از نظر کیفی قابل ردیابی و اثبات است، تجزیه و تحلیل آماری مدنظر قرار نگرفت.

نتایج اثر غلظت گلیسرول بر تولید رنگ دانه: درباره اثر غلظت گلیسرول بر تولید رنگ دانه مشاهده شد که میزان غلظت گلیسرول در فالكون های مربوطه متفاوت بود و به ازای هر غلظت ۲ فالكون استفاده گردید تا در صورت بروز خطا قابل تشخیص باشد؛ بنابراین، فالكون شماره ۱ حاوی ۱ درصد، فالكون شماره ۲ حاوی ۲ درصد و فالكون شماره ۳ حاوی ۳ درصد گلیسرول بودند. همان گونه که در شکل شماره ۳ مشاهده می شود، بیوفیلم تشکیل شده در هر ۳ دسته وجود دارد؛ اما قطر این بیوفیلم

داشته اند که تنها منجر به افزایش کدورت در محیط شده است و رنگ دانه ای مشاهده نشد. در ارلن های دسته ب که در انکوباتور ساده قرار داده شده بودند و هوادهی نداشتند، بیوفیلم رنگی تشکیل شده است. با توجه به اینکه تولید شدن یا نشدن رنگ دانه در اثر هوادهی، از نظر کیفی قابل ردیابی و اثبات است، تجزیه و تحلیل آماری مدنظر قرار نگرفت.

اثر دما بر میزان تولید ویولاسئین: با توجه به اختلافاتی که در میزان دمای مناسب و اثر آن بر تولید رنگ دانه وجود داشت، در دو پلیت انکوبه شده در انکوباتور ۲۵ و ۳۰ درجه سانتی گراد پس از یک هفته مشاهده شد که در دمای ۳۰ درجه سانتی گراد با وجود رشد اندکی که در سطح پلیت مشاهده گردید؛ اما رنگ دانه ای تولید نشده بود (شکل شماره ۲ الف)؛ اما در



شکل شماره ۳. بررسی اثر غلظت گلیسرول بر روند تولید بیوفیلم رنگی

در فالکن‌های شماره ۱ بیشتر از شماره ۲ است و قطر بیوفیلم در فالکن شماره ۳ بسیار نازک‌تر و کمتر است، علاوه بر اینکه رنگدانه بنفش در آن دیده نمی‌شود. معناداری این نتایج با آزمون T-Test در سطح ۵ درصد نیز تأیید گردید. در این دسته حتی کدورت محیط هم به شدت سایرین نیست و شفاف‌تر است. این فالکون‌ها به مدت یک هفته در یخچال قرار گرفتند و دیده شد که فالکون شماره ۱ بیشتر از سایرین حاوی بیوفیلم بود و رنگ در محیط کشت پخش گردید و محیط رنگی ایجاد شد.

بنابراین طبق نتایج به دست آمده، بهترین غلظت گلیسرول برای تولید رنگدانه ویولاستین، محیط نوترینت

براث حاوی یک درصد گلیسرول است. بررسی اثر گلیسرول، سولفات منیزیم و تریپتوفان در بهینه‌سازی تولید: برای این آزمایش، ارلن‌های استفاده شده تا ۸ شماره گذاری شده بودند. این ارلن‌ها طبق مقادیر اعلامی در جدول شماره ۳ حاوی گلیسرول، سولفات منیزیم و تریپتوفان به عنوان عوامل مؤثر در بهینه‌سازی محتویات محیط کشت تولید رنگدانه ویولاستین انتخاب شده بودند. پس از کشت سویه و پایان انکوباسیون، طبق نتایج مندرج در جدول شماره ۳، اعداد به دست آمده ۸ برابر شدند. به علت کدورت بالای محلول‌های رنگی حاصل، دستگاه اسپکتوفتومتر عدد واقعی را در جذب ۵۸۵ نانومتر نمایش نمی‌داد؛ بنابراین، محلول رنگی تا یک‌هشتم

جدول شماره ۲. نتایج اسپکتوفتومتری محیط‌های حاوی غلظت‌های مختلف گلیسرول

فالکون شماره ۱	فالکون شماره ۲	فالکون شماره ۳
۲/۶۴	۱/۹۸	۰/۹۵
جذب		

جدول شماره ۳. نتایج اسپکتوفتومتری محیط کشت مایع بهینه‌سازی شده با گلیسرول، سولفات منیزیم و تریپتوفان

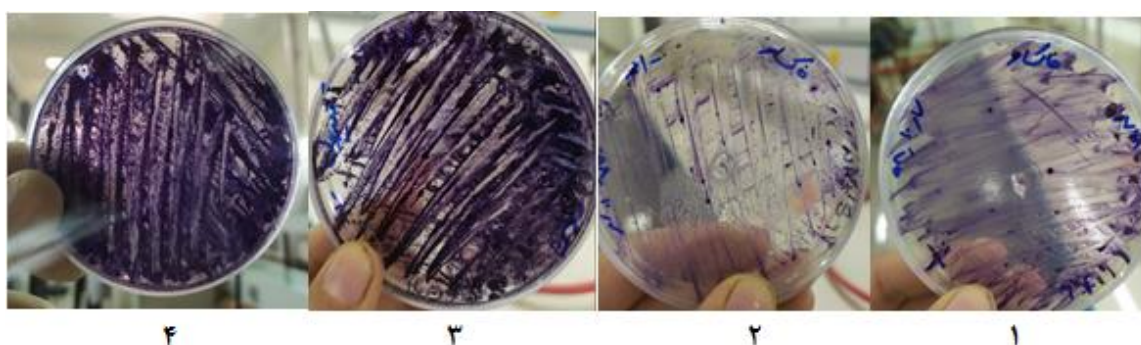
شماره ارلن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
جذب	۰/۵۷	۱/۵۶	۰/۸۹	۱/۷۴	۱/۶۱	۲/۵۲	۱/۸۵	۲/۶۰
میزان رنگ رقیق شده	۰/۰۰۷	۰/۰۲۱۲	۰/۰۱۲	۰/۰۲۳	۰/۰۲۱	۰/۰۳۴	۰/۰۲۵	۰/۰۳۵
میزان رنگ	۰/۰۵۶	۰/۱۶۹۶	۰/۰۹۶	۰/۱۸۴	۰/۱۶۸	۰/۲۷۲	۰/۲	۰/۲۸

رقيق شد. بر اساس اين، اعداد به دست آمده در فرمول ضريب خاموشي رنگ دانه ويولاستين قرار داده شد و ميزان رنگ توليدي مشخص گرديد؛ سپس اعداد در ۸ ضرب شدند تا رقت اصلي به دست آيد. طبق اين اعداد، نمک سولفات منيزيم برخلاف انتظار، تأثير چشم گيري در روند توليد نداشت و استفاده آن به تنهائي و حتي به همراه گليسرول و تريپتوفان ميزان توليد رنگ را افزايش فراواني نداد و نسبت به گليسرول و تريپتوفان، در روند بهينه سازي ضعيف عمل کرد؛ اما استفاده از تريپتوفان به عنوان محرک بسيار قوي و مناسب توانسته بود ميزان توليد را حدوداً ۳ برابر افزايش دهد. در ارتباط با گليسرول هم به عنوان يک منبع کربن اضافه توانستيم ميزان توليد را افزايش دهيم. علاوه بر اين، با نداشتن تأثير چشمگير سولفات منيزيم، استفاده از گليسرول و تريپتوفان نيز بسيار مؤثر بود و حتي در ارلن ۸ مشاهده شد که ميزان توليد رنگ دانه ويولاستين و توده رنگي سلولي حدوداً ۵ برابر افزايش يافته است. معناداري اين نتايج با آزمون T-Test در سطح ۵ درصد نيز تأييد شد. در نهايت، از محيط کشت نوترينت براث آماده ۸ گرم در يک ليتر استفاده گرديد و به ازاي هر ۱۰۰ سي سي

محيط کشت نوترينت براث، ۱ گرم پودر تريپتوفان، ۱ سي سي گليسرول و ۱ گرم سولفات منيزيم به کار رفت. از ترکيبات اين محيط بهينه سازي شده نسبت به ميزان مصرف و مقدار محيط موردنياز نسبت گرفته شد (جدول شماره ۴). بهينه سازي در محيط جامد: همسو با نتايج بهينه سازي در محيط جامد، در شکل شماره ۴ مشاهده مي گردد که ميزان و رشد در محيط نوترينت آگار مناسب، ولي توليد رنگ دانه بسيار ضعيف است. در پليت شماره ۲ که حاوي سولفات منيزيم است، ديده مي شود که تأثير چندانتي در افزايش توليد و حتي افزايش رشد باکتری نداشته است؛ اما وجود گليسرول در پليت شماره ۳ نشان دهنده تأثير فوق العاده اين ماده در روند توليد ويولاستين است. در پليت شماره ۴ نيز از تريپتوفان به عنوان محرک در توليد بيشتري ويولاستين استفاده شد که ميزان بيشتري رنگ کلني ها و تيره تر بودن آن ها نمايان است. گفتني است که محيط استفاده شده براي تلقیح حاوي غلظت ۱۰۸ × ۱/۵ سلول باکتری جانتينو باکتریوم ليويوم بوده است. چون طبق استاندارد نيم مک فارلند عمل کرده و ميزان غلظت باکتری تلقیح شده در همه پليت ها يکسان بوده

جدول شماره ۴. ترکيبات محيط کشت بهينه سازي شده براي توليد رنگ

ردیف	ترکيبات	مقدار
۱	محيط کشت نوترينت براث	۸ گرم
۲	تريپتوفان	۱ درصد
۳	گليسرول	۱ درصد
۴	سولفات منيزيم	۱ درصد
۵	آب مقطر	۱ ليتر
۶	pH	۷/۴ ± ۰/۲



شکل شماره ۴. بررسی اثر محيط کشت جامد بهينه سازي شده با گليسرول، سولفات منيزيم و تريپتوفان



شکل شماره ۵. تأثیر بهینه‌سازی محیط بر میزان تولید بیومس میکروبی

بهترین حلال برای استخراج رنگدانه ویولاسئین طبق ارجاعات و مطالعات پیشین اتانول بیان شده بود که در این روش استفاده گردید و پس از انحلال رنگدانه در این حلال الکلی، از عصاره سلول استخراج انجام گرفت.

استخراج رنگ از محیط کشت براث: طبق آنچه بیان شد، رنگدانه استخراج شده از کشت مایع پس از ۲ مرحله سانتریفیوژ، در نهایت، با برداشت محلول رنگی و فاز سوپرناتانت به دست آمد. این محلول رنگی قابلیت استفاده به صورت مایع را دارد. علاوه بر این، با جداسازی حلال به صورت پودر نیز قابلیت مصرف دارد.

استخراج رنگ از محیط کشت جامد: در استخراج رنگدانه از محیط جامد، از آنجایی که بیومس میکروبی از سطح پلیت جمع‌آوری می‌شود، میزان رطوبت بسیار کمتری دارد و به سانتریفیوژ و جداسازی سویه از محیط کشت نیاز نیست؛ بنابراین، تنها یک مرحله در این روش سانتریفیوژ انجام شده است. علاوه بر این، در این روش میزان بیومس به دست آمده بیشتر بود و به حدود ۱۰-۵ گرم بیومس رنگی از هر پلیت رسید. این بیومس با خشک شدن و حذف رطوبت اضافی و استفاده از روش‌های فیزیکی طبق آنچه در بخش قبل بیان گردید، قابلیت ساید شده و قرار گرفتن در یک فشار بیشتر برای شکستن دیواره سلولی و حساس کردن آن را دارد. در این روش، استفاده از اولتراسونیک بسیار مؤثر بود و رسوب به دست آمده به هیچ رنگی آغشته نبود و کاملاً رنگ از

است، استفاده هم‌زمان گلیسرول و تریپتوفان در محیط کشت جامد افزایش چند برابر تولید سلول را بیان می‌کند که از این محیط برای تولید رنگدانه در این پروژه استفاده شده است. سولفات منیزیم برخلاف تحقیقات پیشین، در محیط جامد هم تغییرات مطلوبی ایجاد نکرد؛ بنابراین، برای تولید استفاده نشد و از دستورالعمل بهینه‌سازی حذف گردید.

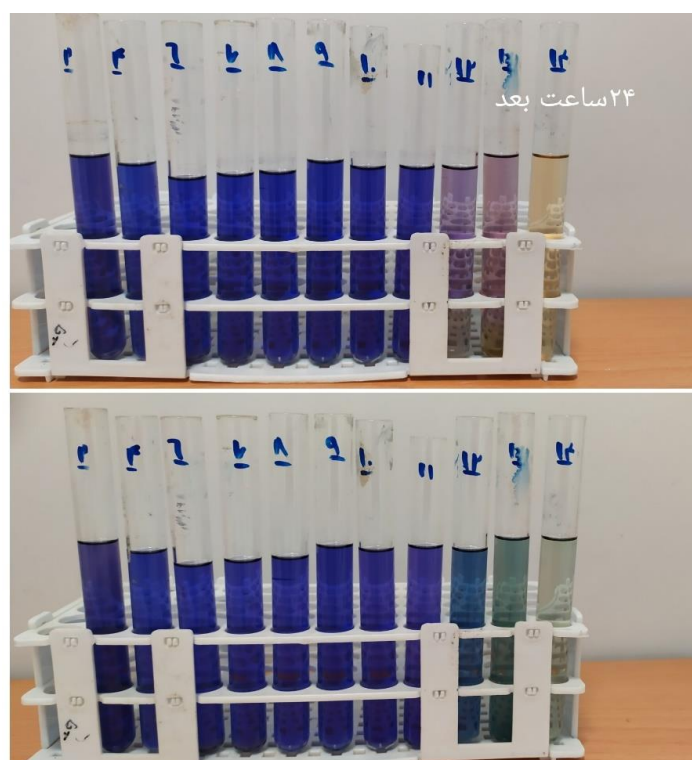
با توجه به میزان تولید رنگدانه ویولاسئین در محیط مایع، بهینه‌سازی محیط کشت در محیط جامد هم مثل مایع انجام شد که مشاهده گردید میزان تولید در محیط جامد نسبت به محیط مایع از بازدهی بالاتر و کیفیت بیشتری برخوردار است (شکل شماره ۵). البته برای جداسازی بیومس از سطح آگار نسبت به جداسازی توده از محیط مایع با سانتریفیوژ در دور بالا اقدام شد که این روش به آسانی انجام می‌شود؛ اما در حجم‌های بالا فرایند طولانی مدتی است. در میان محیط‌های جامد، نوترینت آگار بهینه‌شده با یک درصد گلیسرول و تریپتوفان بهترین و بیشترین توده بیومس رنگی را تولید کرد. از هر ۸ پلیت در این حالت، حدود ۲ گرم بیومس با رطوبت پایین برداشت شد که نسبت به محیط مایع این میزان چشمگیر است.

استخراج رنگ: روش‌های مختلفی برای استخراج رنگدانه طبیعی از میکروارگانیسم‌ها وجود دارد که بسته به نوع ترکیب رنگدانه، این روش‌ها متفاوت‌اند. علاوه بر این، نوع ارگانیسم نیز در نحوه استخراج بسیار مؤثر است.

عصاره خارج شده بود. پس از پایان اولتراسونیک، محلول رنگی به دست آمده که توده سفید رنگی است، در واقع همان باکتری های کشته شده ای بودند که رنگ دانه خود را از دست داده اند. این رسوب با یک مرحله سانتریفیوژ از محلول رنگی جداسازی شد.

بررسی تغییرات رنگ ویولاسئین در pH های مختلف: تغییر رنگ برای رنگ ویولاسئین استخراج شده از باکتری *J. lividum* در pH های ۲ تا ۱۴ بررسی گردید. شکل شماره ۶ تغییر رنگ حاصله را نشان می دهد. همان طور که مشخص است، در pH های اسیدی ۲ الی ۶ رنگ به فام بنفش و در pH های قلیایی بالاتر از pH=10 به رنگ مایل

به آبی و سرمه ای است. همان گونه که مشاهده می شود، تغییرات رنگی محسوسی در pH کمتر از ۱۰ دیده نشد و مشخصاً رنگ ویولاسئین در برابر تغییرات pH مقاومت داشت و تغییرات رنگ در سطح بنفش باقی می ماند؛ اما هنگامی که بیش از ۲۴ ساعت در pH قرار گرفت، مشاهده گردید که رنگ در pH بالاتر از ۱۰ که تغییر کرده بود، از حالت سرمه ای خارج و به رنگ زرد درآمد. بر اساس این، رنگ ویولاسئین پس از گذشت ۲۴ ساعت، در pH قلیایی بالاتر از ۱۰ تخریب می شود؛ اما تغییرات رنگ در pH قلیایی کمتر از ۱۰ و حتی در حالت اسیدی اندک و یا ثابت است.



شکل شماره ۶. تغییرات رنگ ویولاسئین در pH های مختلف

بحث و نتیجه گیری

طیف خواص بیولوژیکی این ماده بسیار بالا است و اثرگذاری آن بر باکتری ها، قارچ و ویروس، اهمیت این ماده را صدچندان کرده است (۷). امروزه استفاده از چنین مواردی که به کاهش استفاده از آنتی بیوتیک ها منجر شوند و بتوانند سویه های مقاوم به آنتی بیوتیک ها را از بین ببرد، بسیار حائز اهمیت است (۲۱، ۲۲).

طرح هایی هم برای افزایش بازدهی و تولید بالاتر ویولاسئین انجام شده که با بهینه سازی محیط کشت و شرایط تولید شروع گشته است (۲۲) که در این طرح نیز ما با افزایش و بهبود ترکیب محیط کشت و حفظ شرایط بهینه تولید، به تولید ویولاسئین با بازدهی بالاتر اقدام کرده ایم. در مطالعه ای، از منابع ازت آلی و نیترات پتاسیم به عنوان ازت معدنی و از سولفات منیزیم به عنوان نمک

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بهترین pH برابر ۷ و میزان تولید ویولاستین ۳/۸ برابر بیشتر از pH های ۶ و ۸ است و در pH های ۵ یا ۹ میزان رشد باکتری کم و رنگ‌دانه‌ای مشاهده نگردید؛ بنابراین، بهترین pH برای تولید ویولاستین ۷ است (۲۴). در مطالعه حاضر آزمون پایداری رنگ‌دانه در برابر pH بیانگر این بود که pH مطلوب ۷، در تنها دمای مناسب برای تولید رنگ ویولاستین در این سویه ۲۵ درجه سانتی‌گراد است. پس از آن، رنگ‌دانه استخراج و پودر رنگ تهیه شد؛ همچنین در محلول‌ها و طی فرایند بهینه‌سازی، غلظت رنگ تولیدی هم به‌دست آمد و بررسی گردید. آزمون پایداری رنگ‌دانه در برابر pH هم بررسی شد. رنگ بنفش حاصل از این رنگ‌دانه در pH های اسیدی به مدت طولانی پایدار بود. این پایداری تا pH=11 وجود داشت و پس از آن، مشخصاً ساختار رنگ تخریب و شکسته شد و با برگشت pH، قادر به بازیابی رنگ اولیه نخواهیم بود.

میزان تولید رنگ‌دانه ویولاستین از سویه *J. lividum* در شرایط بهینه در کشت به‌طور میانگین در این طرح، ۰/۲۴ گرم بر لیتر است. این میزان تولید در محیط‌های کشت جامد و در محیط کشت مایع بدون شیک در ابعاد صنعتی که میزان تولید بالاتر در حجم کمتر از محیط کشت، از لحاظ ابعاد اقتصادی ارزیابی می‌شود، اهمیت دارد و تلاش بر این خواهد بود که این میزان حتی از مقدار به‌دست‌آمده نیز بیشتر باشد و میزان بهینه‌تری از رنگ‌دانه تولید و برای استفاده مصرف گردد.

در تحقیق حاضر در نتیجه آزمایش‌های هوادهی مشاهده شد که بیوفیلم‌هایی که در سطح قرار داشتند و به دیواره‌های ارلن شیشه‌ای متصل بودند، با تکان دادن آن از شیشه کنده و در محیط رها می‌شدند. در صورت کهنه شدن کشت، بیوفیلم‌ها از حالت چسبندگی و یک‌تکه بودن خارج و رنگ‌دانه در محیط پخش می‌گردید؛ بنابراین طبق این رویداد، هوادهی برای افزایش رشد و میزان کدورت سویه در محیط مناسب بود؛ اما برای تولید رنگ‌دانه توصیه نمی‌شود. درواقع، نبود هوادهی این سویه

معدنی و از گلوکز و ساکارز به‌عنوان منبع کربن برای بهینه‌سازی استفاده شد که به این نتیجه رسیدند که منابع کربن و ازت استفاده‌شده اثر فراوانی در بهینه‌سازی نداشتند؛ اما وجود سولفات منیزیم اثر بسیاری داشت (۱۵).

اثر استفاده از گلیسرول به‌عنوان منبع کربن اضافی، بر تعداد CUF باکتری‌ها و افزایش تولید ویولاستین در این نمودار قابل مشاهده است. همان‌طور که دیده می‌شود، در این نمودار اثر مهارى گلوکز و تحرکی گلیسرول نمایش داده شده است. در این بررسی میزان تولید آگرو پلی ساکارید مؤثر در ایجاد حالت بیوفیلمی، در صورت وجود گلیسرول، هشت برابر بیشتر از منبع گلوکز بود (۲۳). در مطالعه حاضر، مصرف میزان ۱ درصد گلیسرول به‌عنوان مقدار بهینه در تولید بیشتر ویولاستین در کنار سایر شرایط کشت توصیه گردید.

علاوه بر گلیسرول که نوعی منبع کربن اضافی در محیط کشت محسوب می‌شود، استفاده از غلظت‌های مختلف آنتی‌بیوتیک آمپی‌سیلین نیز مثل گلیسرول در افزایش تولید ویولاستین مؤثر بوده است. این آنتی‌بیوتیک به‌عنوان یک عامل تنش‌زا در محیط به‌شمار می‌آید (۲۳).

در مطالعه دیگری، سویه *J. lividum* برای بررسی تأثیر دما بر میزان رشد باکتری و متعاقباً رنگ‌دانه تولیدشده، در محدوده ۲۰-۳۵ درجه سانتی‌گراد کشت داده شد و مشخص گردید که دمای ۲۵ درجه سانتی‌گراد بهترین و مناسب‌ترین دما است که بیشترین بازدهی را از نظر میزان توده سلولی و رنگ‌دانه تولیدی دارد و به‌طور کلی، دمای ۲۰-۲۵ درجه برای رشد مناسب و ۳۰-۳۵ درجه دمای مهارى محسوب می‌شود (۱۵). در تحقیق حاضر مشخص شد که در دمای ۳۰ درجه سانتی‌گراد، با وجود رشد اندکی که در سطح پلیت مشاهده گردید، ولی رنگ‌دانه‌ای تولید نشده بود؛ اما در پلیت دوم که در انکوباسیون ۲۵ درجه انکوبه شده بود، کلنی‌های بنفش رنگ قابل مشاهده بود.

در مطالعه‌ای برای یافتن بهترین pH با استفاده از بافر محدوده ۵-۹ تغییرات در محیط کشت ایجاد شد و

هوازی به نوعی شرایط تنش را برای باکتری به شمار می آید و به ایجاد بیوفیلم رنگی و اتصال آن به سطح شیشه ای ارلن و سطح رویی ارلن و تولید رنگ دانه ویولاسئین توسط این سویه باکتریایی و تولید رنگ دانه ویولاسئین منجر می گردد.

علاوه بر این، روش های استخراج رنگ عادی به بررسی بیشتر نیاز دارد و لازم است اصلاح گردد؛ زیرا استفاده از سانتریفوژ و چندین مرتبه الکل از لحاظ زیستی و ایمنی نادرست است و باز زیست محیطی خواهد داشت. در این طرح، در بخش استخراج رنگ دانه سعی بر این شد که روش های جدید استخراج بررسی و استفاده گردد. خشک کردن بیومس میکروبی جمع آوری شده از سطح پلیت های بهینه شده و پس از آن، برداشت این بیومس و خشک نمودن و سپس اضافه کردن روش های فیزیکی مانند ساییدن این بیومس خشک شده و پس از آن، اولتراسونیک مراحل استخراج را کاهش داد.

البته بررسی هایی هم برای کشت در محیط مایع انجام شد و مشاهده گردید که برای تشکیل بیوفیلم رنگی، محیط بدون شیک باید انکوبه گردد؛ در غیر این صورت، با افزایش کدورت در محیط کشت، میزان رنگ تولیدی اندک و روند تولید بیوفیلم رنگی طولانی تر خواهد بود؛

اما با وجود این، میزان تولید بیومس و رنگ در محیط جامد از محیط مایع بسیار بیشتر بود.

متابولیت های ثانویه پس از رشد میکروارگانیسم ها شروع به تولید می کنند. تولید رنگ دانه در محیط های کشت پایه در حالت برات و آگار بررسی شد و برای افزایش بازدهی تولید، از شرایط بهینه تولید استفاده گردید. نتایج نشان داد که محیط کشت حاوی ۰/۳ درصد عصاره گوشت و ۰/۵ درصد پتون، ۱ درصد گلیسرول و ۱ درصد تریپتوفان روی محیط کشت جامد حاوی نوترینت آگار، به عنوان بهترین محیط کشت برای تولید انتخاب شد. در مواردی از سولفات منیزیم نیز برای بهبود محیط کشت و تولید رنگ استفاده گردید که تغییر چشمگیری در میزان تولید رنگ نداشت.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این مطالعه همکاری نموده اند، تشکر و قدردانی می گردد.

تعارض منافع

هیچگونه تعارض منافع در اجرای این پژوهش وجود نداشته است.

References

- Valdes N, Soto P, Cottet L, Alarcon P, Gonzalez A, Castillo A, et al. Draft genome sequence of *Janthinobacterium lividum* strain MTR reveals its mechanism of capnophilic behavior. *Stand Genomic Sci* 2015;10:1-10. doi: 10.1186/s40793-015-0104-z
- Pauer H, Hardoim CCP, Teixeira FL, Miranda KR, Barbirato DdS, Carvalho DPd, et al. Impact of violacein from *Chromobacterium violaceum* on the mammalian gut microbiome. *PloS one* 2018; 13:e0203748. doi: 10.1371/journal.pone.0203748
- O'Brien K, Perron GG, Jude BA. Draft genome sequence of a red-pigmented *Janthinobacterium* sp. native to the Hudson Valley watershed. *Genome Announc* 2018;6:e01429-17. doi: 10.1128/genomeA.01429-17
- Baricz A, Teban A, Chiriac CM, Szekeres E, Farkas A, Nica M, et al. Investigating the potential use of an Antarctic variant of *Janthinobacterium lividum* for tackling antimicrobial resistance in a One Health approach. *Sci Rep* 2018;8:1-12. doi: 10.1038/s41598-018-33691-6
- Ferro P, Vaz-Moreira I, Manaia CM. Betaproteobacteria are predominant in drinking water: are there reasons for concern? *Crit Rev Microbiol* 2019;45:649-67. doi: 10.1080/1040841X.2019.1680602
- Schloss PD, Allen HK, Klimowicz AK, Mlot C, Gross JA, Savengsuksa S, et al. Psychrotrophic strain of *Janthinobacterium lividum* from a cold Alaskan soil produces prodigiosin. *DNA Cell Biol* 2010;29:533-41. doi: 10.1089/dna.2010.1020
- Woodhams DC, LaBumbard BC, Barnhart KL, Becker MH, Bletz MC, Escobar LA, et al. Prodigiosin, violacein, and volatile organic compounds produced by widespread cutaneous bacteria of amphibians can inhibit two *Batrachochytrium* fungal pathogens. *Microb Ecol* 2018; 75: 1049-62 doi: 10.1007/s00248-017-1095-7
- Rokade MT, Pethe AS. Isolation, identification, extraaction and production of antibacterial violacein pigment by psychrotrophic bacterium MTR17 strain. *J Glob Biosci* 2017;6:5077-83. doi: 10.1155/2015/465056
- Jones JA, Toparlak ÖD, Koffas MA. Metabolic pathway balancing and its role in the production of biofuels and chemicals. *Curr Opin Biotechnol* 2015;33:52-9. doi: 10.1016/j.copbio.2014.11.013

10. Arif S, Batool A, Khalid N, Ahmed I, Janjua HA. Comparative analysis of stability and biological activities of violacein and starch capped silver nanoparticles. *RSC adv* 2017;7:4468-78. doi: 10.1039/C6RA25806A
11. Khaksar F, Rigi G, Mirdamadian SH. Creation of a violacein pigment hybrid with silver and titanium dioxide nanoparticles to produce multifunctional textiles with antimicrobial properties. *Nanomed Res J* 2021;6:60-72. doi: 10.22034/nmrj.2021.01.007
12. Khairy M, Kamal R, Mousa M. Anti-microbial and methylene blue dye adsorption properties of cotton fabrics modified with TiO₂, Fe, Ag-doped TiO₂, and graphene oxide nanomaterials. *Textile Res J* 2021;00405175211066148. doi: 10.1177/00405175211066148
13. Palukurty MA, Darsi GM, Somalanka SR. Effect of Aeration on Growth and Production of Violacein by *Chromobacterium violaceum* using a Bubble Column Reactor. 2019; 47, 777-780. doi: 10.3390/antiox11050849
14. Masuelli L, Pantanella F, La Regina G, Benvenuto M, Fantini M, Mattera R, et al. Violacein, an indole-derived purple-colored natural pigment produced by *Janthinobacterium lividum*, inhibits the growth of head and neck carcinoma cell lines both in vitro and in vivo. *Tumor Biol* 2016;37:3705-17. doi: 10.1007/s13277-015-4207-3
15. Kanelli M, Mandic M, Kalakona M, Vasilakos S, Kekos D, Nikodinovic-Runic J, et al. Microbial production of violacein and process optimization for dyeing polyamide fabrics with acquired antimicrobial properties. *Front Microbiol* 2018;9:1495. doi: 10.3389/fmicb.2018.01495
16. Choi SY, Lim S, Yoon K-h, Lee JI, Mitchell RJ. Biotechnological Activities and Applications of Bacterial Pigments Violacein and Prodigiosin. *J Biol Eng* 2021;15:1-16. doi: 10.1186/s13036-021-00262-9
17. Kim Y, Choi J. Dyeing properties of microbial prodiginine from *Zooshikella rubidus* for silk fabrics. *Fiber Polym* 2015;16:1981-7. doi: 10.1007/s12221-015-5211-3
18. Uddin F. Environmental hazard in textile dyeing wastewater from local textile industry. *Cellulose* 2021;28:10715-39. doi: 10.1007/s10570-021-04228-4
19. Aye AM, Bonnin-Jusserand M, Brian-Jaisson F, Ortalo-Magné A, Culioli G, Nevry RK, et al. Modulation of violacein production and phenotypes associated with biofilm by exogenous quorum sensing N-acylhomoserine lactones in the marine bacterium *Pseudoalteromonas ulvae* TC14. *Microbiol* 2015;161:2039-51. doi: 10.1099/mic.0.000147
20. Subramanian P, Gurunathan J. Differential production of pigments by Halophilic bacteria under the effect of salt and evaluation of their antioxidant activity. *Appl Biochem Biotechnol* 2020;190:391-409. doi: 10.1007/s12010-019-03107-w
21. Sadowska JM, Genoud KJ, Kelly DJ, O'Brien FJ. Bone biomaterials for overcoming antimicrobial resistance: Advances in non-antibiotic antimicrobial approaches for regeneration of infected osseous tissue. *Materials Today* 2021; 136-54. doi: 10.1016/j.mattod.2020.12.018
22. Gulzar T, Farooq T, Kiran S, Ahmad I, Hameed A. The Impact and Prospects of Green Chemistry for Textile Technology. *Elsevier* 2019; 1-20. doi: 10.1016/C2017-0-01957-2
23. Wu X, Kazakov AE, Gushgari-Doyle S, Yu X, Trotter V, Stuart RK, et al. Comparative Genomics Reveals Insights into Induction of Violacein Biosynthesis and Adaptive Evolution in *Janthinobacterium*. *Microbiol Spectr* 2021;9:e01414-21. doi: 10.1128/Spectrum.01414-21
24. Kuzyk SB, Pritchard AO, Plouffe J, Sorensen JL, Yurkov V. Psychrotrophic violacein-producing bacteria isolated from Lake Winnipeg, Canada. *J Great Lakes Res* 2021; 47: 715-24. doi: 10.1016/j.jglr.2020.04.008